

از دو واج

با دو خواهر

در یک وقت!

Ketabton.com

دیزاین: الحاج سلیم خان پیمان سوید

۱۳۹۵



www.masjed.se

تتبع و نگارش:
امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

بسم الله الرحمن الرحيم

ازدواج

با دو خواهر در یک وقت!

در شرع اسلامی ازدواج یا جمع بین دو خواهر (دو خواهر را در يك زمان برای شخص، در نکاح واحد جایز نیست) .

خداوند متعال می فرماید: « **وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ** » (نساء : ۲۳) .
جایز نیست که : دو خواهر را با هم جمع آورید، مگر آنچه گذشته است .

همچنان به اساس حکم حدیثی شریفی که می فرماید: « **مَنْ كَانَ يَوْمَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآفِلَا يَجْمَعُ مَاءَهُ فِي رَحْمِ أَخْتَيْنِ** » و پیروی : **ملعون من جمع ماء في رحم آختين**) .

مطابق فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرموده است کسیکه بر الله تعالی وروز آخرت ایمان دارد پس « آب منی » خود را در رحم دو خواهر هر گز جمع نکند .

در فردوس دیلمی حدیث است که من در خدمت نبی علیه السلام حاضر شدم و عرض نمودم که من اسلام را قبول کردم و در نکاح من دو خواهر است پس نبی علیه السلام

فرمود که تو در هر دوی آنها یکی را برگزین . « **قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أِنِّي اسَلَمْتُ وَتَحْتِي اخْتَانِ قَالَ : طَلِقْ اِيَهُمَا شَنْتَ (وَالتَّرْمِذِيُّ فِي رَوَايَتِهِ)** » اختر آیهما شنت «

قابل تذکر است هر گاه دو خواهر در دو عقد نکاح صورت گیرد و این معلوم نباشد که هم‌رای کدام یکی از آنها قبلاً و کدام یکی بعد نکاح شده است پس در این صورت قاضی در میان شوهر هر دو خواهر تفریق میکند و این تفریق طلاق باین می‌باشد دلیل این است که در میان هر دو آنها نکاح یکی شان بطور یقینی جایز و از یکی به طور یقینی باطل است اکنون تنها در صورت ها می باشد یکی اینکه نکاح یک آنها به طور معین نافذ کرده شود و از یکی باطل کرده شود دو هم اینکه به جهالت نکاح هر دو شان نافذ کرده شود ولی این هر دو صورت ها ممکن نیست اول بدین جهت که به این کار کردن ترجیح بلا مرجح لازم میشود و صورت دو هم بدین جهت ممکن نیست که اول باید به این طور کردن فایده نیست زیرا که مقصد نکاح حلال کردن وطی و تناسل است و در این صورت این مقصود حاصل نمی شود ، دو هم اینکه در این کار به هر دوی از زنها ضرر است زیرا که هر دو زنان به یک نفقه گزاره بسر می برند و هر دوی شان مجوس باقی می ماند و هم باکسی دیگر نکاح کرده نمی تواند .

هر گاه مهر این دو زنها برابر بود و تفریق نیز قبل از الدخول باشد پس به هر دو آنها نصف مهر داده میشود و هر دو ی آنها به نصف تقسیم میکند که در حصه هر دو آنها ربع ربع می آید دلیل اینست که نصف مهر در هر دوی آنها برای آن یکی واجب می باشد که کدام آنها مقدم باشد و این معلوم نیست که مقدم کدام آنها است پس به جهت عدم اولیت به هیچ یکی آنها ترجیح داده نمی شود پس نصف مهر به هر دوی آنها داده میشود و رای بعضی حضرات این است که در هر دو هر یکی آنها دعوی کند که من مقدم هستم که برای مدعیه بر اساس همین دعوی داده شود یا هر دو در میان شان صلح کند که در نصف هر دو شان شریک باشند زیرا که علم اصل مستحقه نیست . (احسن الهدایه شرح هدایه ترجمه اشرف الهدایه مولانا جمیل احمد سکروودی مدرس دارالعلوم دیوبند

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

مترجم مولانا سید داود استاد امان الله امان جلد سوم: تحت عنوان با دو خواهر نکاح در عقود جدا و تفریق در آنها)

به این ترتیب جمع کردن هر دو خواهر به یک عقد، و به اصطلاح در یک نکاح جایز نبوده و بطوریکه متذکر شدیم این نکاح حرام میباشد.

خواننده محترم!

بصورت کل باید گفت که، شاید حکمت و فلسفه ی این که شرعیت اسلام از ازدواج هم زمان با خواهران جلوگیری کرده، این باشد که اولاً: حرمت و شخصیت زن را حفظ کند، ثانیاً: دو خواهر به حکم نسبت و پیوند نسبی و عاطفی، نسبت به یکدیگر علاقه ی شدید دارند ولی هنگامی که رقیب هم شوند، نمی‌توانند علاقه ی گذشته را حفظ کنند، به این ترتیب تضاد عاطفی در آنها پیدا می‌شود که برای زندگی زیان آور است و اساس خانواده را از هم می‌پاشد؛ زیرا همیشه انگیزه ی محبت و رقابت در وجود آنها در کشمکش است.

ازدواج دو دختر پیامبر اسلام با عثمان ذی النورین :

حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنه یکی از صحابه پیامبر و خلیفه سوم بود که در تاریخ اسلام نقش عظیمی را داشته است. از مهم‌ترین کارهای او جمع‌آوری قرآن عظیم‌الشان است و او که یکی از اولین مسلمانان بود، که با دو دختر رسول الله صلی الله علیه وسلم، به‌نام‌های (رقیه و ام کلثوم)، ازدواج کرد و از این رو، به لقب « ذوالنورین » یاد می‌شد.

علت مشهور شدن حضرت عثمان به لقب ذی النورین در این بود که این صحابی جلیل‌القدر با دو دختر نبی اکرم (ازدواج با دختر دوم رسول الله بعد از مرگ اولی) ازدواج نمود.

حضرت عثمان، سی و چهار سال داشت که ابوبکر صدیق او را به دین مقدس اسلام دعوت کرد و او نیز بدون هیچ‌گونه مکث و تردیدی دین اسلام را پذیرفت. بدین‌سان به دین اسلام گروید و در شمار نخستین امت (پیروان) پیامبر درآمد. (ابواسحاق در این خصوص می‌گوید: «عثمان بعد از ابوبکر، علی و زید بن حارثه، نخستین کسی است که اسلام آورد و خود را به‌عنوان چهارمین فرد مسلمان مطرح کرد».

پس از اسلام آوردن عثمان، پیوند زناشویی بین او و رقیه دختر پیامبر اسلام برقرار شد. این ازدواج، منزلت او را نزد مسلمانان دو چندان ساخت. داستان این ازدواج را علی محمد الصلابی چنین شرح می‌دهد: «رسول خدا صلی الله علیه و سلم پیش از آن، رقیه و ام‌کلثوم را به عقد عثبه و عثیبه، پسران ابولهب درآورده بود. اما پس از نزول آیات سوره مبارکه مسد که مضمون آن عبارتند از: «نابود باد ابولهب! و حتماً هم نابود می‌گردد.

دارائی و آنچه از شغل و مقام به‌دست آورده است، سودی بدو نمی‌رساند و او را از آتش دوزخ نمی‌رهاند. به آتش بزرگی در خواهد آمد و خواهد سوخت که زبانه‌کش و شعله‌ور خواهد بود. و همچنین همسرش که در اینجا آتش بیار معرکه و سخن‌چین است در آنجا بدبخت و هیزم‌کش خواهد بود. در گردنش رشته طناب تافته و بافته‌ای از الیاف است.» ابولهب و همسرش، ام جمیل دختر حرب بن امیه، مادر عثبه و عثیبه، آندو را امر به

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

طلاق دختران محمد صلی الله علیه و سلم دادند و آنان نیز قبل از همبستر شدن، ایشان را طلاق دادند تا خود لطفی باشد از جانب خداوند بر آل محمد و ذلّتی باشد از آن ابولهب و فرزندان او سپس همو می‌افزاید: «عثمان به‌محض شنیدن این ماجرا نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد و از رقیه خواستگاری کرد، رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیز وی را به عقد عثمان درآورد.»

حضرت عثمان در شمار مهاجران به حبشه بود، اما به‌زودی به مکه بازگشت و به مدینه مهاجرت کرد. ابوجعفر طبری می‌گوید: «در باره تعداد کسانی که برای نخستین بار به حبشه هجرت کردند، اختلاف نظر وجود دارد. برخی می‌گویند: یازده مرد و چهار زن بودند.»

به هر حال، عثمان و همسرش رقیه، دختر پیامبر، نیز در این جمع بودند. پیامبر اسلام برای آنها چنین دعا کرد: «خداوند یار و همراه عثمان و رقیه باشد، عثمان، بعد از حضرت لوط اولین شخصی است که با اهل بیتش در راه خدا هجرت کرده است پس از وفات رقیه، پیامبر اسلام، ام کلثوم، دختر دیگر خود را به عقد حضرت عثمان در آورد. حضرت عثمان رضی الله عنه پس از ۱۱ سال خلافت، در سال ۳۵ هجرت، روز ۱۸ ماه عید قربان، به عمر ۸۲ سالگی به شهادت رسید.

ازدواج حضرت موسی علیه السلام

با دو دختر حضرت شعیب

در بدو کلام با تمام تاکید و علم الیقین با ید گفت که حضرت موسی علیه السلام با دو دختر شعیب علیه السلام و یا دو خواهر که در داستان ها ذکر از آن بعمل آمده به هیچ صورت ازدواج نکرده ، بلکه این ازدواج فقط با یکی از دو خواهر صورت گرفته است ، طوری که قرآن عظیم الشان در (سوره قصص آیات 23-29). در مورد می فرماید :

« وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْكُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ * فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ * فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ وَنَجَوْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ * قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَن اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ * قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجَ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْقَى عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ * قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ وَكِيلٌ * فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ » یعنی: «و چون (موسی) به آب مدین رسید» یعنی: به چاه آبی که مردم آب آشامیدنی خود و چهارپایان خویش را از آن برمی‌گرفتند «گروهی از مردم را بر آن یافت که حیوانات خود را آب می‌دادند و پایین‌تر از آن، دو زن را یافت که حیوانات خود را دور می‌کردند» از نزدیک آب تا مردم از آب دادن چهارپایان خویش فارغ شوند آن‌گاه بتوانند بی‌مزاحمت و مانعی به آب دادن چهارپایان خود بپردازند «گفت» موسی علیه السلام خطاب به آن دو زن «کار شما چیست؟» یعنی: منظورتان از این کار چیست که گوسفندان خود را همراه با مردم دیگر

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

آب نمی‌دهید؟ «گفتند: ما به چهارپایان خود آب نمی‌دهیم تا شبانان همگی حیوانات خود را از آبشخور بازگردانند» عادت ما این است که درنگ کنیم و انتظار بکشیم تا مردم از آب بازگردند زیرا از این که با مردم نامحرم درآمیزیم، می‌پرهیزیم. یا به این دلیل که از آب دادن حیوانات خویش همپای آنان عاجز و ناتوان هستیم «و پدر ما پیری کهنسال است» که به‌خاطر سالخوردگی و ناتوانی نمی‌تواند چهارپایان را آب دهد، از این‌روی ناچار شدیم که خود به گوسفندانمان آب بدهیم.

«پس» چون موسی علیه السلام سخن آن دو را شنید؛ «چهارپایانشان را برایشان آب داد» به خاطر گرایی که به کار معروف و یاری‌دادن ناتوانان داشت. «به‌سوی سایه برگشت» و مجدداً در آن نشست «و گفت: پروردگار! من به هر خیری که بر من بفرستی» اندک باشد یا بسیار «فقیرم» یعنی: نیازمندم. مراد وی از خیر، غذا برای رفع گرسنگی بود چراکه او بی‌توشه از مصر به راه زده بود و توشه وی هر خوراکی‌ای بود که در راه می‌یافت.

«پس یکی از آن دو زن - درحالی‌که با شرم و آزرگام بر می‌داشت - نزد وی آمد» «گفت» آن دختر به موسی علیه السلام «پدرم تو را می‌طلبد تا مزد آبدهی‌ات برای چهارپایان ما را به تو بدهد» و مرا به‌منظور ابلاغ این دعوت نزد تو فرستاده است «پس چون» موسی علیه السلام «نزد او آمد و داستانهای خود را بر او حکایت کرد، گفت» پدر آن دو دختر «نترس که از قوم ستمکار نجات یافتی» یعنی: از فرعون و کسانش نجات یافتی زیرا فرعون بر سرزمین ما (مدین) تسلطی ندارد.

«یکی از آن دو دختر گفت: پدرجان! او را استخدام کن» تا گوسفندانمان را به چرا ببرد «چرا که بهترین کسی است که می‌توانی استخدام کنی، هم نیرومند و هم امین است» «گفت» پدر آن دو دختر به موسی علیه السلام «من می‌خواهم یکی از این دو دختر خود را به نکاح تو درآورم در قبال این که هشت سال برای من کار کنی» یعنی: دخترم - که‌گویند نامش صفورا بود - را به این شرط به ازدواج تو در می‌آورم که مهر وی هشت سال کار تو نزد من باشد و این کار، عبارت است از چوپانی گوسفندانم «و اگر آن را در ده سال به پایان رساندی، این از نزد توست» یعنی: اگر به جای هشت سال، چوپانی را به ده سال رسانیدی و دو سال را در خدمت به من افزودی، این بخشش و فضلی از نزد توست، نه الزام و اجباری از جانب من.

بدین ترتیب، او این قضیه را به مردانگی و همت خود موسی علیه السلام موکول کرد «و نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم» با الزام و اجبارت به تمام کردن ده سال «و مرا ان‌شاءالله از صالحان خواهی یافت» «گفت» موسی علیه السلام «این» قرارداد و عهده که آن را بازگو کردی و بر من و خود در آن شرط نهادی «میان من و تو باشد» و هیچ‌یک از ما دوطرف نباید از مفاد آن تخلف کنیم «هریک از این دو مدت را به انجام رسانیدم» هشت یا ده سال را «نباید بر من عدوانی باشد» «و خدا بر آنچه می‌گوییم» از این شرطهایی که در میان ما منعقد شد؛ «وکیل است» یعنی: گواه و نگهبان است لذا هیچ‌یک از ما راهی به‌سوی تجاوز از این شروط نداریم.

«پس چون موسی آن مدت مقرر را به‌پایان رسانید» و آن کامل‌ترین دو مدت، یعنی مدت ده سال بود «و خانواده‌اش را همراه برد از جانب طور آتشی را دید به‌خانواده‌اش

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

گفت: اینجا درنگ کنید که من آتشی از دور دیدم، شاید برای شما از آنجا خبری بیاورم باشد که خود را گرم کنید».

محارم در امر ازدواج

مَحَرَم یکی از جمله اصطلاحاتی در فقه اسلامی که شامل گروهی از خویشاوندان نزدیک می‌شود که ازدواج با آن‌ها حرام است. موضوع محارم در امر ازدواج از جمله مباحثی است که، نه تنها در دین مقدس اسلام مورد بحث و دقت قرار گرفته است، بلکه در سایر ادیان ابراهیمی نیز رعایت گردیده است و برای پیروان خویش اکیداً هدايات لازم صادر نموده و ازدواج با محارم را مشروع نمی‌دانند و از آن ممانعت به عمل می‌آورند.

محارم در دین یهودیت:

در دین یهودیت اصلاً ازدواج با بیگانه ممنوع می‌باشد، بناً کوشش اعظمی بخرچ میدهند تا این ازدواج‌ها در قدم اول با خویشاوندان و در قدم بعدی با هم‌دینان خودشان یعنی با یهودیان صورت گیرد.

در شریعت حضرت موسی علیه السلام ازدواج را با محارم ممنوع اعلام داشته، در شریعت یهودیت آمده است: « ازدواج با مادر و دختر و دیگر محارم حرام است و هر کس مرتکب چنین ازدواجی شود سزایش کشتن و قتل است. » (مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، حرّ، ۱۳۷۶ش، جلد ۲، صفحه ۶۲۱ و ۶۲۶). همچنان در شریعت یهودی از محارم دیگری هم ذکری بعمل آمده است که از آنجمله میتوان از: حرام بودن نکاح با خواهر، عمه، خاله، خواهرزاده و برادرزاده نام برد. نقطه قابل دقت در دین یهودیت اینست که: رضاع (شیردادن) سبب حرمت ازدواج نمی‌شود. (شبللی، احمد، مقارنۀ الادیان (بخش یهود)، قاهره: مکتبه النهضة المصریه، (بی تا)، صفحه 299).

این بدین معنی است که در دین یهودیت بر خلاف دین مقدس اسلام مرد می‌تواند با خواهر رضاعی خود ازدواج کند. از موارد دیگری که در شریعت موسی علیه السلام از محارم شمرده شده است می‌توان به زن پدر (مادر اندر)، خواهر اندر، و برادر اندر (از طرف مادر یا پدر از شخص دیگری هستند) نواسه دختری، نواسه پسری، جمع بین دو خواهر اشاره کرد. (مجمع الکنائس الشرقي، قاموس کتاب المقدس، (بی جا) منشورات مکتبه المشعل، ۱۹۸۱م، صفحه ۶۱۷) و همچنین ربیبه یعنی دختر زنیکه انسان با او ازدواج کرده است برای این شخص (پدر اندر) حرام است.

چنانچه جریان حضرت یحیی در راه مبارزه با چنین ازدواجی کشته شد. به این ترتیب که هیردوس پادشاه وقت قوم یهود بعد از مرگ برادرش با زن وی ازدواج کرد و بعد از مدتی به دختر این زن که هم برادرزاده اش بود و هم ربیبه اش، علاقه مند شد و مسئله را با حضرت یحیی در میان گذاشت ولی آن حضرت فرمود این عمل در شریعت آسمانی روا نیست و این دختر هرگز بر تو حلال نمی‌شود. (مجمع الکنائس الشرقيه، کتاب المقدس، (بی تا)، صفحه ۱۴۳ - ۱۴۴).

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

به خاطر این فتوی، پادشاه، یحیی را زندانی کرد و از دختر خواستگاری نمود و گفت در قبال ازدواجت هر چه خواهی خواهم داد. آن دختر هم چون یحیی را مانع ازدواجشان می دید، قتل حضرت را خواستار شد و شاه هم خواسته دختر را اجابت کرد و سر حضرت یحیی را از بدنش جدا کرد .
در مواردی از تورات نیز به ممنوعیت ازدواج با محارم اشاره شده است. (تورات، سفر لاویان، باب ۱۸، آیات ۶-۲۳)

دین مسیحیت:

از کتب دین مسیحیت نیز چنین معلوم میشود که در شریعت این دین هم ازدواج با محارم جایز نمی باشد، طوریکه از زبان حضرت عیسی - علیه السلام - نقل می کنند که فرموده است: « من نیامده ام تا شریعت موسی را از بین ببرم بلکه آمده ام تا آن را تکمیل نمایم. بنابراین می توان گفت که در مجموع قوانین یهود در امر ازدواج، مورد پذیرش مسیحیان نیز هست هر چند که در مواردی اختلاف هم دارند. البته احتمال دارد امروز، در جوامع مسیحی و یهودی مواردی پیدا شود که برخلاف دین حضرت موسی و عیسی - علیهما السلام - باشند.

عوامل این حالت در تخطی پیروان این دینها از اصل دین و بوجود آمدن تحریفات درین ادیان است و مسألهء عدم پابندی پیروان این ادیان از دین شان است. در جامعه ای که به ازدواج همجنس بازان اجازه دهد و آن را زشت نشمارد مسلماً که ازدواج با محارم جای خود دارد. اما طبق قوانین برخی کشورهای مسیحی نشین ازدواج بین اعضای خانواده ممنوع است.

از قبیل مادر، مادرکلان، خواهر، دختر، نواسه و به طور کلی ازدواج در بین افراد خانواده (صعودی - پدر، پدرکلان، جد و نزولی - پسر، نواسه - کواسه) که با هم ارتباط نسبی مستقیم دارند، ممنوع است .

دین مقدس اسلام:

مسأله محارم در ازدواج در دین مقدس اسلام را، قرآن عظیم الشان بشکل دقیق، علمی تعریف و فورمولبندی نموده که حکم این مسأله در سوره (نساء آیات 22 تا 24) به تفصیل بیان گردیده است .

قرآن عظیم الشان میفرماید: « حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِن لَّمْ يَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ» .

به یقین خداوند حکیم مصالحی برای این کار در نظر داشته است. دلیل این حکم، آیه 23 سوره نساء است. در این آیه خداوند متعال میفرماید:

(حرام گردانیده شده بر شما (ازدواج) با مادران، دختران، خواهران، عمه ها، خاله ها، دختران برادران، دختران خواهران، زنانیکه شما را شیر داده اند، خواهران شیری و مادران زنان تان و دختران زنان تان که در کنار شما هستند، هر گاه با آن زنان همبستر شده اید، بر شما حرام شده اند. ولی اگر همبستر نشده اید، گناهی مرتکب نشده اید. و نیز

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

همسران پسرانتان که از صلب شمایند (نه پسر خوانده‌ها). و جمع کردن میان دو خواهر مگر آنچه گذشته است. خداوند آمرزنده و مهربان است.

بر اساس این آیه متبرکه خداوند متعال بر مردان، ازدواج با مادر، خواهر، عمه، خاله، دختر خواهر، دختر برادر و... را حرام نموده است.

خواننده محترم!

مفسرین در مورد اینکه چه حکمتی وجود دارد که در ادیان ابراهیمی بصورت کل و بصورت اخص در دین مقدس اسلام موضوع محارم مطرح گردیده است می فرمایند:

1- واقعیت امر اینست که انسان‌ها به طور طبیعی از ازدواج با محارم نوعی از تنفر دارند، به همین دلیل همه اقوام و ملل (جز افراد کمی) ازدواج با محارم را ممنوع می‌دانند.

2- علماء طب بر این عقیده که در میان محارم معمولاً جاذبه و کشش جنسی ضعیف می‌باشد، طوریکه اکثریت محارم با هم کلان میشوند و برای یکدیگر فرد عادی و معمولی هستند، در حالی که یکی از شرایط استحکام پیوند زناشویی، جاذبه جنسی است؛ بنابراین، اگر ازدواج در میان محارم صورت گیرد در برخی از حالات این ازدواج‌ها سست و ناپایدار می‌باشد.

3- علماء بدین عقیده اند که ازدواج با غیر محارم، عامل گسترش ارتباط اجتماعی است. به عبارت دیگر، روابط اجتماعی با ازدواج برون خانوادگی تقویت شده و انسان‌ها در محدوده چهاردیواری خانه‌های خود باقی نخواهند ماند.

4- از لحاظ طبی نیز ازدواج با این اقربا سبب تولد اطفال مختلف و دارای مشاغل خونی و جسمی می‌باشند.

خواننده محترم!

در روشنی آیات متبرکه بوضاحت تام در می‌یابیم که حکم محارم در ازدواج بدو دسته تقسیم می‌گردد:

1- تحریم ابدی، که درین حرمت حرمت به اساس روابط خونی حرام می‌باشد. مادر، مادرکلان والی اعلی و دختر و پسر و به همین ترتیب به نسل به طرف پایین، که در این موارد ازدواج مرد با زن برای همیشه ممنوع است.

2- تحریم مؤقت، که در آن تا زمانی که زن و یا مرد در وضعیت خاصی قرار دارد، ازدواج بین شان ممنوع است ولی بمحض اینکه این وضعیت تغییر کرد، تحریم از بین می‌رود و ازدواج بین شان حلال می‌شود که درین حالت حرام بودن ازدواج به خواهر زن تا دوام و قایم بودن حالت نکاح.

چنانچه قبلاً اشاره کردیم اسباب تحریم ابدی در دین مقدس عبارتند از:
(نسب، خویشاوندی ناشی از ازدواج (مصاهره)، شیر خوارگی).

الف:

زنائی که به سبب نسب حرام شده اند عبارتند از:

مادر، مادر کلان، و بالاتراز آن

خواهر، خواهر اندر و بالاتر از آن عمه، عمه کلان و بالاتر از آن خاله و بالاتر از آن دختر و پاینتر از آن دختر برادر و پاینتر از آن دختر خواهر و پاینتر از آن.

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

ب :

زنائی که به سبب مصاهره حرام شده اند عبارتند از :

- 1- مادر همسر ، و در تحریم او آمیزش با دخترش شرط نیست بلکه به محض عقد دخترش حرام می شود.
- 2- دختر زنی که با او آمیزش کرده است پس اگر مردی مادر را عقد کرد بدون اینکه با او آمیزش کند ، دخترش برای او حلال است به دلیل فرموده خداوند متعال: « **فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ** » (ولی اگر با مادرانش همبستر نشده باشید گناهی) در ازدواج با چنین دخترانی (بر شما نیست).
- 3- همسر پسر که به محض عقد حرام می شود.
- 4- همسر پدر ؛ بر پسر حرام است که با همسر پدرش ازدواج کند و این تحریم به محض اینکه پدرش او را عقد کرد حاصل می شود.

ج- تحریم به سبب شیر خواری:

- خداوند متعال می فرماید « **وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ** » (ومادرانی که به شما شیر داده اند وخواهران رضاعی تان)
- همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : «الرضاعة تحرم ما تحرم الولادة» (شیر خواری حرام می کند آنچه را نسب حرام میکند) (صحیح امام بخاری : ۵۰۹۹ / ۱۳۹ /) (امام مسلم ۱۴۴۴ / ۱۰۶۸ / ۲) ، (سنن الترمذی : ۱۱۵۷ / ۳۰۷ / ۲) (تمام کسانی که از طریق نسب نکاح شان حرام است از طریق رضاع نیز حرام است). (از جانب شیرده همه خویش شوند از جانب شیر خواره زوجان و فروع .)

شیر خور نمیتواند با افراد زیر ازدواج کند:

- 1- زن شیر دهنده ، (مادر رضاعی)
- 2- مادر زن شیر دهنده
- 3- مادر شوهر شیر دهنده
- 4- خواهر زن شیر دهنده
- 5- خواهر شوهر شیر دهنده
- 6- دختران پسر و دختر شیر دهنده
- 7- خواهرشیری: مقدار شیر که با خوردن آن تحریم ثابت می شود: موضوع قابل بحث بین علماء میباشد از جمله در حدیثی از بی بی عایشه (رضی) روایت گردیده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است :

« لا تحرم المصّة والمصتان » (با يك يا دوبار مکیدن تحریم ثابت نمی شود) (صحیح امام مسلم ۱۴۵۰ / ۱۰۷۳ / ۲) (سنن الترمذی ۱۱۶۰ / ۳۰۸ / ۹۲)

از ام فضل روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « لا تحرم الرضعة أو الرضعتان ، أو المصّة أو المصتان » (بايك يا دو بار شیر خوردن و یا يك يا دو بار مکیدن تحریم ثابت نمیشود.) (صحیح امام مسلم ۱۴۵۱ / ۲۰ / ۱۰۷۴)

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

مسائل :

پسری بنام محمود که دارای 3 برادر است از پستان مادر نوریه که دارای 2 خواهر است شیر خورده ، نوریه و خواهر اش برای محمود حلال نیستند. اما نوریه و خواهرانش می توانند به قید نکاح برادران محمود در آیند .
وقتی شیر خواری در نکاح مدار اعتبار است که سن کودک شیر خوار از دو سال و ششماه زیاد نشده باشد ، خواه شیر را مستقیماً از پستان بجوشد یا از طریق چوشک و یا امثال آن.

قرآن عظیم الشان میفرماید : « **والوالدات یرضعن أولادهن حولین کاملین لمن أراد أن ینم الرضاعة** » (سوره بقره 233) (مادران) اعم از مطلقه و غیر مطلقه (دو سال تمام فرزندان خود را شیر می دهند هرگاه یکی از والدین یا هر دوی ایشان خواستار تکمیل دوران شیر خواری شوند .

از ام سلمه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « **لا یحرم من الرضاع إلا ما فتق الآ معاء فی الثدی وکان قبل الفطام** » (سنن الترمذی : ۱۱۶۲ / ۳۱ / ۲) (شیر خواری موجب تحریم ازدواج نمی شود مگر زمانی که شیر به روده کودک برسد) بطوریکه روده کودک تنها از آن تغذیه کند (و قبل از دو سالگی باشد .

زنانی که بطور مؤقت حرام شده اند:

1- جمع بین دو خواهر : (دو خواهر را در یک زمان به ازدواج خود در آوردن طوریکه در فوق موضوع را به تفصیل به اساس حکم الهی بیان داشتیم : « وأن تجمعوا بین الآختین إلا ما قد سلف » (سوره نساء : ۲۳) . و اینکه دو خواهر را با هم جمع آورید ، مگر آنچه گذشته است .

2- جمع بین زن و عمه وخاله او :

به دلیل حدیث ابو هریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « لا یجمع بین المرأة و عمتها ولا بین المرأة وخالتها » (صحیح امام بخاری : ۵۱۰۹ / ۱۶۰ / ۹) ، (صحیح امام مسلم : ۱۴۰۸ / ۱۰۲۸ / ۲)

3- زنی که همسر مردی دیگری است و در عده او به سر می برد : به دلیل فرموده خداوند متعال : « **والمحصنات من النساء إلا ما ملکت أیمانکم** » (زنانی شوهردار (بر شما حرام شده اند) مگر زنانی که (آنان را در جنگ دینی مسلمانان با کافران) اسیر کرده باشید ، که بعد پاک شدن رحم ایشان ، برای اسیر کنندگان حلال می گردند اگر چه در ازدواج کسان دیگری باشند .

4- زنی که سه بار طلاق داده شده ، ازدواج او با شوهر اولش جایز نیست ، مگر اینکه مرد دیگری بطور صحیح او را به ازدواج خود در آورد سپس او را طلاق دهد ، به دلیل فرموده

خداوند متعال : « **فإن طلقها فلا تحل له من بعد حتی تنکح زوجاً غیره ، فإن طلقها فلا جناح علیهما أن یتراجعا إن ظنا أن یقیما حدود الله** » پس اگر (بعد از طلاق و رجوع بار دیگر هم) او را طلاق داد از آن به بعد زن برای او حلال نخواهد بود ، مگر اینکه با شوهری دیگر ازدواج کند ، و با او آمیزش جنسی نماید و ازدواج واقعی و جدی صورت گیرد نه مؤقتی و فریبکارانه (در

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

اینصورت اگر (شوهر دوم) او را طلاق داد ، گناهی بر آن دو (زن و شوهر) نخواهد بود که (به کانون زندگی زناشویی) بر گردند (وزن با شوهر اول ازدواج نماید) در صورتیکه امیدوار باشند که می توانند حدود الهی را محترم بشمارند و پا بر جا دارند).

نظریات فقهای اسلامی در مورد مدت و دفعات شیر خوردن :

در مورد اینکه در چند دفعه شیر دادن برای اطفال حکم محرمانت ایجاد میگردد ، فقهای اسلامی در مورد نظریات مختلفی ارایه داشته اند که موجزاً ذیلاً بدان اشاره مینمایم :
- علمای احناف و علمای مالکیها و روایتی از امام احمد و جمهور علماء و بر این باورند که با یکمرتبه شیر خوردن محرمیت ایجاد میشود، زیرا میگویند که خداوند بطور عموم آنرا در قرآن ذکر کرده بدون ذکر تعداد شیر خوردن، خداوند میفرماید: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّن الرِّضَاعَةِ» (سوره النساء : 23) و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «إنما الرضاعة من المجاعة» یعنی: «همانا رضاعت (که محرم ساز باشد) آنست که گرسنگی (نوزاد) را بر طرف کند». (صحیح البخاری - الفتح-9-146 و مسلم (2-1078)

در ضمن امام نووی در المجموع از ابن منذر حکایت می کند که «علی ابن ابی طالب و ابن مسعود و ابن عمر و ابن عباس و عطاء و طاوس و سعید ابن مسیب و حسن بصری و مکحول و زهری و قتاده و حکم و حماد و اوزاعی و ثوری نیز بر این رای هستند .
- بعضی دیگر از علماء بر این باورند که حداقل بایستی 3 دفعه نوزاد شیر خورده باشد تا اینکه محرمیت ایجاد شود، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است که: «لا تحرم المصاة ولا المصتان» صحیح مسلم (1450). یعنی "یکی یا دو مکیدن محرمیت ایجاد نمیکند" و این علماء گفتند مفهوم این حدیث اینست که بیشتر از دوبار به بالا محرمیت ایجاد میکند، و این اشخاص عبارتند از: أحمد بن حنبل در روایتی، و قول أهل ظاهر (بجز ابن حزم) و قول سلیمان بن یسار و سعید بن جبیر و إسحاق بن راهویه و ابی ثور و ابن المنذر (المغنی) (8-140) المحلي ابن حزم (10-13).

- نظر برخی دیگر از علماء بر اینست که حد اقل شیرخوارگی 5 مرتبه میباشد زیرا از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که: «کان فیما أنزل من القرآن عشر رضعات معلومات یحرمن ثم نسخن بخمس معلومات فتوفی رسول الله و هن فیما یتلی من القرآن» یعنی: " از جمله آیات نازل شده در قرآن، آیه (عشر رضعات معلومات یحرمن) بود. «یعنی : ده بار شیر دادن معلوم (نکاح را) حرام می‌کند». سپس لفظ و حکم این آیه با آیه (بخمس معلومات) نسخ شد. «یعنی ک با پنج بار شیردادن معلوم». (تلاوت پنج بار شیردادن نسخ شد و حکم آن باقی ماند) سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم فوت کرد ولی (به خاطر تأخیر نسخ آن) آیه نسخ شده از جمله آیاتی بود که (هنوز) جزو قرآن به حساب می‌آمد (11) روایت مسلم در الرضاع (1075) و أبو داود (2-323) والنسائی (6-100) و ابن ماجه (1-265). و این مذهب امام شافعی و ابن حزم و ابن تیمیه و شوکانی و ابن قیم جوزیه و ابن باز و ابن عثیمین میباشد و فتوای هیئت دائمی علماء سعودی بر این مذهب بر قرار است.

ازدواج با دو خواهر در یک وقت!

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می گوید:

«یکبار شیر خوردن در محرمیت موثر نیست، بلکه لازمست تا پنج بار شیر خورده شود، و همچنین این (شیر خوردن) باید قبل از سن از شیر گرفتن نوزاد باشد، یعنی قبل از اتمام دو سالگی باشد، و یک نوزاد اگر یکبار یا دو بار یا سه بار یا چهار بار شیر زنی را بنوشد فرزند رضاعی آن زن نخواهد شد، و بلکه لازمست تا پنج بار شیر بنوشد، اما اگر شک و تردید وجود داشت که آیا چهار بار شیر خورده یا پنج بار؛ در اینحالت اصل بر اینست که چهار بار شیر خورده، زیرا ما هرگاه در عددی در شک افتادیم همیشه کمترین را انتخاب می کنیم، و بر این مبنا اگر زنی بگوید: من این نوزاد را شیر دادم ولی نمی دانم چندبار بوده! آیا یکبار بوده یا دوبار یا سه بار یا چهار بار و یا پنج بار؟ ما می گوییم: این نوزاد فرزند رضاعی تو نیست، زیرا لازمست تا حتما پنج بار شیر بخورد بدون آنکه شک و تردیدی در آن وجود داشته باشد». الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة (768/2).

بر این اساس، خوردن یکبار شیر موجب رضاعت نیست، و لذا ازدواج دختر و پسری که فقط یکبار شیر زنی را خورده باشند با فرزندان آن زن جایز است. در ضمن سن آنها در هنگام شیر خوارگی نباید از دو سال بیشتر باشد، یعنی اگر نوزادی سن بیشتری از دو سال داشته باشد و پنج بار و یا حتی بیشتر از آن از پستان زنی شیر بنوشد، بعنوان فرزند رضاعی محسوب نخواهد شد و ازدواج آن نوزاد با فرزندان اصلی آن زن جایز است.

و من الله التوفیق

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**